

افزایش سرعت و چابکی از ظرفیت‌های تولیدی کشور، بهتر استفاده می‌شود.

فرشچی افزود: در حال حاضر صرفاً حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد از کل نیاز صنعت دارو، با نرخ دلار ۴۲۰۰ تامین می‌شود. مواد جانبی و کمکی، هزینه خرید یا تعمیر ماشین‌آلات و خرید دانش فنی، همگی با نرخ نیمایی و آزاد تامین شده و صرفاً ماده موثر دارو، ارز یارانه‌ای دارد. اما همین یارانه ارزی مختصر، فرآیند تولید را مختل می‌کند.

وی ادامه داد: در شرایط کنونی ارزی، کسانی موافق ارز ۴۲۰۰ هستند که بیشتر منتفع می‌شوند. ولی قاطبه صنعت داروسازی کشور، موافق آن نیستند و معتقدند با تک نرخی شدن، فساد کنترل می‌شود. متأسفانه اکنون برخی شرکت‌ها، «برابرت» از بقیه هستند.

اخیراً شاهد بودیم شرکتی داخلی موفق به اخذ تاییدیه‌های لازم واردات و همچنین تخصیص ارز دولتی برای تامین انسولین مورد نیاز بیماران دیابتی از شرکتی چینی شد اما نتیجه آن چه شد؟ کمبود شدید انسولین در کشور به دلیل عدم تامین مناسب و به موقع؛ از طرفی شرکت‌های اروپایی نیز از تامین به موقع انسولین ممانعت کردند.

نکته اینجاست که اکثر مشکلات دارویی کشور مربوط به شرکت‌هایی است که ارز دولتی بیشتری دریافت می‌کنند. ما باید دلمان برای منابع کشور عزیزمان بیشتر بسوزد. شاید این مقدار ارز گرهی از کار شرکتی دیگر که نیاز بیشتری داشت باز می‌کرد اما به‌رحال منابع محدود است و این فرصت‌ها در حال سوختن. آیا این شرکت‌ها مورد بازخواست قرار می‌گیرند که با ارزی که در اختیار داشتید چه کردید؟ متأسفانه گاهی این نوع پشتیبانی‌های دولت از شرکت‌ها به واسطه تخصیص ارز دولتی با نیت توسعه صنعت، به جای رفع مشکلات، خود باعث ایجاد بحران می‌شود. چون متأسفانه برای برخی شرکت‌ها منافع اقتصادی مهم‌تر از جان بیماران است، حال آنکه دولت می‌توانست با اتخاذ سیاست‌های بهتر مانع این معضله‌ها بشود.

بحران نقدینگی در صنایع دارویی

به گفته فرشچی، اکثر شرکت‌های داروسازی ایران، با بحران نقدینگی دست و پنجه نرم می‌کنند. دارو توسط شرکت‌های پخش به داروخانه‌ها تحویل می‌شود که در مورد داروهای بیماران خاص عمدتاً این مراکز داروخانه بیمارستان‌های دولتی هستند. امروزه دانشگاه‌های علوم پزشکی مشکلات مالی زیادی دارند و بدهی خود به شرکت‌های پخش را به موقع پرداخت نمی‌کنند و به همین دلیل، شرکت‌های پخش نیز بدهی خود به صنایع دارویی را با تاخیر پرداخت می‌کنند.

در این چرخه معیوب ۴ هزار تا ۴۵۰۰ میلیارد تومان از نقدینگی داروسازی کشور قفل شده است.

به گفته وی، چرخه عادی بازگشت پول دارو، تا قبل از این معضل یک تا سه ماه بود که اکنون به ۱۲ تا ۱۸ ماه رسیده است. حال آنکه ۸۰ درصد این نقدینگی، باید صرف خرید مواد و تجهیزات اساسی صنعت دارو شود.

فرشچی افزود: شرکت‌های داروسازی در بدترین شرایط مالی قرار دارند و فشار کمبود نقدینگی، به آنها اجازه نمی‌دهد به برنامه‌های توسعه‌ای فکر کنند و باید برای بقا تلاش کنند. بعضی شرکت‌های دارویی کشور مانند بیمار بستری شده در اتاق مراقبت‌های ویژه هستند و اگر کسی به داد آنها نرسد، احتمال نابود شدنشان هست. این در حالی است که سال‌ها تلاش توسط نخبگان برای شکل‌گیری آنها انجام شده و مناسب نیست که این ثروت ملی، قربانی کم‌توجهی برخی مسوولان دولتی شود.

دست‌انداز در مسیر صادرات

این متخصص صنعت دارو گفت: عدم هماهنگی بین وزارت بهداشت (سازمان غذا و دارو) و بانک مرکزی، باعث دشواری صادرات فرآورده‌های دارویی شده است. اولین مشکل هر شرکت پس از صادرات این است که آیا خریدار می‌تواند پول پرداخت کند یا نه؟ این مساله، یک مشکل اساسی است و دولت باید آن را حل کند. وظیفه تولیدکنندگان و صادرکنندگان، پرداختن به

مشکلات اقتصادی است، نه مسائل سیاسی.

وی افزود: وقتی یک محموله دارویی صادر می‌شود، یا نمی‌تواند ارزش حاصله را برگرداند، یا روندی که در شرایط عادی ۶ ماه طول می‌کشد، بین ۱۸ تا ۲۴ ماه زمان می‌برد. درحالی‌که بانک مرکزی بین ۳ تا ۹ ماه به صادرکننده زمان می‌دهد تا ارزش حاصل از صادرات دارو را برگرداند وگرنه، شرکت را به تعزیرات معرفی می‌کند. اگر توسعه صادرات غیرنفتی اولویت اصلی کشور است، پس چرا دولت کنار نشسته و به جای کمک، مقررات آزاردهنده و محدودکننده ابلاغ می‌کند؟ همه می‌دانیم که کشور به ارزش نیاز دارد و همه این فشارها هم به همین علت است اما گاهی برخی ابلاغیه‌ها و دستورالعمل‌ها امکان اجرا ندارد. دولت بین ۲۵ تا ۳۰ درصد از درآمد شرکت‌ها را در قالب مالیات و عوارض دریافت می‌کند و برای همین، یک شریک بزرگ کسب‌وکارهای خصوصی به‌شمار می‌آید. اما شریکی که فقط در سود شراکت دارد و به مشکلات کاری توجه مناسبی ندارد.

وی افزود: صادرات نیازمند توسعه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری است. از یک طرف اهداف صادراتی برای صنایع دارویی کشور کیفیت، ساختمان و... خود را ارتقا دهند. اما از طرف دیگر، فضا را برای GMP تعریف می‌شود و انتظار داریم برای این کار کسب‌وکار آنها تنگ می‌کنند. مگر با جیب خالی می‌توان این کارها را انجام داد؟ مگر نمونه موفق جهانی کم داریم که راه آنها را نمی‌رویم؟

فرشچی در ادامه گفت: امروز صادرات دارویی یک اولویت اصلی برای سیاست‌گذار نیست و تامین نیازهای داخل کشور، دغدغه اصلی است. حال آنکه در شرایط کنونی، همین صادرات می‌تواند راهگشای تامین ارزش دست‌کم برای صنعت داروی کشور باشد.

متاسفانه در سازمان غذا و دارو، دپارتمان تخصصی برای رفع موانع صادرات دارو وجود ندارد و مسائل صادرکنندگان درحلقه بوروکراتیک و چنبره مجوزها و محدودیت‌های اداری، حل‌نشده باقی می‌ماند و برای حل مشکل مجبور به مراجعه به مسوولان رده بالای سازمان هستیم که می‌دانیم امروزه چقدر درگیر رفع مشکلات کشوری هستند و به ناچار باید وقت ایشان را برای حل مشکلات معمولی بگیریم.

محل نامناسب فهرست دارویی کشور در پروسه ثبت دارو

فرشچی از عدم به روزرسانی «فهرست رسمی دارویی کشور»، به‌عنوان یکی از موانع رشد صنعت دارو نام برد و گفت: در ساختار دارویی کشور، ثبت دارو در «فهرست رسمی دارویی کشور» به جای آنکه آخرین حلقه زنجیره ثبت باشد، در ابتدای مسیر تعریف شده است. اول باید یک دارو وارد این فهرست شود تا بتواند مراحل ماند دریافت پروانه را طی کند. با توجه به اینکه ورود یک دارو به فهرست، نتایج اقتصادی دارد، باید بیمه‌ها در این مورد اظهارنظر کنند نه سازمان غذا و دارو.

فرشچی در پایان گفت: در پروسه ثبت، یک‌سال است که مسیر ورود به «فهرست رسمی دارویی کشور» مسدود است و به‌جز مواردی معدود داروی جدیدی وارد این لیست نشده است. این مساله، جلوی صادرات داروهای جدید را می‌گیرد. به‌نظر می‌رسد اکثر تصمیم‌های دولت منجر به زمینگیر شدن تولیدکنندگان شده است و به همین دلیل راه کسب درآمد و سرمایه‌گذاری جدید اقتصادی به روی آنها بسته می‌ماند.

منبع: دنیای اقتصاد

